

باغچه‌ی اطفال

درس دهم

املا و دانش زبانی

با توجه به متن درس، واژه‌ها را کامل کنید.

سرگذشت	خوبش	اقامت	خشنود
نمی‌پذیرد	اطفال	تصویر	استعدادشان

با توجه به متن درس، جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب کامل کنید.

چهار باغچه‌بان پس از پایان دوره‌ی مکتب، نزد پدر **مرفه‌ی** بنایی و نقادی را یاد گرفت. پدر او در ساختن **طاق** مسجد و گنج‌بری استاد بود؛ اما هیچ‌یک از این کارها **طبع** پرشور و ذهن جویای او را **راضی** نمی‌کرد. او که در شطری **فروزان** خدمت به مردم می‌ساخت. پس از **برگزیده** شدن برای آموزگاری به فکر دایر کردن کودکانی در تبریز افتاد.

نمودار جمله‌های زیر را رسم کنید.



با توجه به متن درس، کلمه‌هایی که حروف زیر را دارند، پیدا کنید و بنویسید.



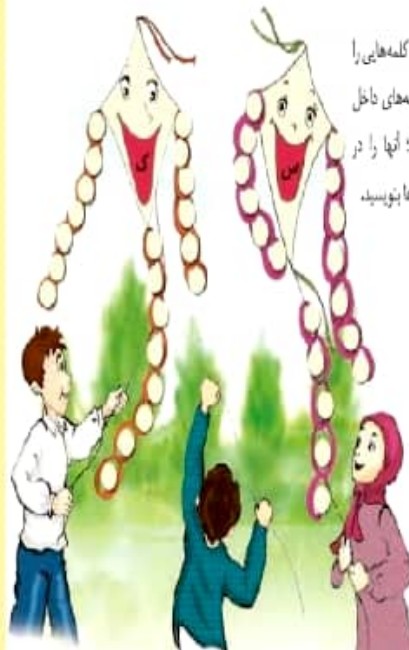
پنج جمله از متن درس را که به نظرتان جالب است، بنویسید.

با نظر دانش آموزان تکمیل گردد

س	۷ حرفی	۵ حرفی	۶ حرفی
سرگردان	ساختن	سیختی‌ها	

ک	۶ حرفی	۸ حرفی	۷ حرفی
کچکاو	کودکستان	کودکانه	

در متن درس، کلمه‌هایی را پیدا کنید که با نشانه‌های داخل بادبادک آغاز شوند؛ آنها را در دنباله‌های بادبادک‌ها بنویسید.



درک متن

- 🌿 جمله‌های زیر را بخوانید و به کلمه‌هایی که مشخص شده است، توجه کنید.
- 🌿 شیر کوچولو از این ماجراها بی‌خبر بود: **چون** قدم یازدهمی را بر نداشته بود.
- 🌿 حرفش را ادامه نداد: **زیرا** خوابش برده بود.
- 🌿 **چون** کاغذی برای نوشتن نداشت، روی ماسه‌های نرم کنار دریا می‌نوشت.
- در مثال‌های بالا کلمه‌هایی مانند «**چون**» و «**زیرا**». جمله‌ها را به هم وصل می‌کنند: مثلاً در شماره‌ی یک، دو جمله‌ی زیر با «**چون**» به هم وصل شده‌اند. دقت کنید که جمله‌ی اول مقهومی را بیان می‌کند و جمله‌ی دوم دلیل آن را می‌گوید.
- 🌿 شیر کوچولو از این ماجراها بی‌خبر بود.
- 🌿 قدم یازدهمی را بر نداشته بود.
- 🌿 در متن درس «**باغچه‌ی اطفال**» جملاتی را که با «**اما**»، «**ولی**» و «**زیرا**» به هم وصل شده‌اند، پیدا کنید و در کادر زیر بنویسید.

- از این راه، خانواده خود را اداره می‌کرد. **اما** فتادی رونق نداشت.
- اولیای این کودکان هرگز باور نمی‌کردند که فرزندانشان، خواندن و نوشتن بیاموزند؛ **ولی** در پایان سال تحصیلی، این کودکان مانند دیگران امتحان دادند و قبول شدند.
- نزد پدر، حرفه‌ی بنایی و فتادی را یاد گرفتیم؛ **ولی** هیچ‌یک از این کارها طبع پرشور و ذهن جوانی مرا راضی نمی‌کرد.
- روزی که این کودکان در نبرز امتحان می‌دادند، حیاط و بام مدرسه لبریز از مردمی بود که به نمایش آن‌ان آمده بودند؛ زیرا برای مردم باور نکردنی بود که کودکان کم‌شناخته بتوانند بخوانند.
- پدرم در ساختن طاق مسجد و گنجبری استاد بود؛ **اما** در همه‌ی ماه‌های سال نمی‌توانست به کار بنایی بپردازد.

نگارش

متن زیر را بخوانید.

پرستوها بهار و تابستان را به سودگی به سر می‌برند؛ اما در آغاز پاییز دشواری‌هایی برای آنها پیش می‌آید. در آن هنگام، حشرات کم‌باب می‌شوند و هوا رو به سردی می‌رود. به ناچار، پرستوها باید لانه‌ی خود را ترک بگویند و به جاهای معتدل‌تری کوچ کنند.

وقتی که زمان کوچ آنها فرا می‌رسد، دسته‌دسته روی بام‌ها یا سیم‌های برق جمع می‌شوند و به‌منظر می‌آید که به گفتگوی مهیج مشغول هستند. به زودی، غذای دیگر از راه دور می‌رسند و جنب‌وجوش آنها رفته‌رفته زیادتیر می‌شود؛ تا اینکه یک روز صبح که از خواب برمی‌خیزیم، از پرستوها نشانی نمی‌بینیم. آن وقت معلوم می‌شود که آنها کوچ کرده‌اند.

در این سفر دراز، خطرهای بسیاری وجود دارد. یکی از این خطرها، تغییرات هواست. خطر دیگر، حمله‌ی پرندگان شکاری مانند عقاب، شاهین و فرقی است. این پرندگان، هنگام پرواز، ناگهان خود را در میان پرستوها می‌اندازند و با چنگال‌های نیرومند خود آنها را می‌ربایند.

🌿 متن بالا از چند بند تشکیل شده است؟ بنویسید هر بند درباره‌ی چه چیزی بود.

متن بالا از سه بند تشکیل شده است.

بند اول: سفتی‌های زندگی پرستوها در پاییز.

بند دوم: نشانه‌های کوچ پرستوها.

بند سوم: خطرات کوچ پرستوها.

موضوع کلی متن چیست؟ کوچ پرستوها.

